

یعقوب آژند^۱

نقاشان دوره قاجار

۱. مقدمه

نقاشان دوره قاجار را می‌توان در دو طبقه بررسی کرد: نقاشان درباری و نقاشان بازاری. نقاشان درباری کارهای مربوط به دربار، از جمله دیوارنگارهای، نسخه‌آرایی، پیکرنگاری، نقاشیهای لاک‌ی و مینایی، و تصویرگری روزنامه‌های دولتی و سفرنامه‌های شاه را انجام می‌دادند. آنها علاوه بر دربار، گاهی برای اعیان و اشراف هم کار می‌کردند. نقاشان بازاری طراحها و نقاشیهای را برای فروش در بازار برای عامه مردم تدارک می‌دیدند و آثار هنری خود را مستقیماً در بازار می‌فروختند. آنها داستانهای عامیانه و کتابها و روزنامه‌ها را تصویرپردازی می‌کردند، یا روی قلمدانها و قاب‌آینه‌ها و صندوقچه‌ها و جلد کتابها نقاشیهای لاک‌ی می‌کشیدند.^۲

نقاشان و طراحان دیگری نیز بودند که برای قالی و پارچه (قلمکار، شال)، کاشی و پشت شیشه، و یا پرده‌های نقالان و قهوه‌خانه تصاویری می‌کشیدند. اینها گاهی از نقاشان بازاری تعلیم می‌دیدند. کیفیت تعلیم در بین نقاشان درباری بیشتر بر پایه نظام استاد-شاگردی بود و اعضای آنها را هم بیشتر مناسبات خانوادگی و خویشاوندی به هم ربط می‌داد. نقاشان معمولاً از خانواده‌های معتبر و محترم، و تحصیل‌کرده بودند و گاهی در شعر و ادب هم دست داشتند. در دوره قاجار، شمار نقاشانی که در بازار کار می‌کردند فزونی گرفت و در هر شهری چندین نفر از آنها کارگاه و مغازه نقاشی داشتند. فرصت شیرازی در *آثار عجم* شماری از نقاشان شیرازی را فهرست کرده است.^۳ در اصفهان هم نقاشان برای خود صنفی داشتند.^۴ علت افزایش نقاشان بازاری در این دوره وجود مشتریان داخلی و خارجی برای نگاره‌های مذهب، قلمدانها، سرقلیانها، نقاشیهای روی بوم، آبرنگها، نقاشیهای لاک‌ی و مینایی، طراحها، قطعه‌ها، نقاشیهای روی چوب و پشت شیشه و غیره بود. نقاشان بازاری با ذوق و سلیقه عامه سروکار داشتند و سلیقه آنها را ارضا می‌کردند. اکنون به بررسی آثار و احوال معروف‌ترین نقاشان این دوره می‌پردازیم.

۲. آقا نجف (نجف‌علی)

آقا نجف در حدود سالهای ۱۲۳۰ تا ۱۲۷۰ ق فعالیت می‌کرد. آقا نجف از شاگردان علی‌اشرف، نقاش دوره زندیه، بود. او در بیشتر آثارش از رقم «یا شاه نجف» استفاده می‌کرد (ت ۱). این رقم او را، که هم بار مذهبی داشت و هم اشاره به نام او، می‌توان در قلمدان‌نگاریها (سال ۱۲۷۰ ق، محفوظ در برن،

نقاشی ایران در عصر قاجار رفته‌رفته به طبیعت‌نگاری گرایید. در دوره آقا محمدخان (۱۱۹۳-۱۲۱۱ ق) و فتح‌علی‌شاه (۱۲۱۱-۱۲۴۹ ق) و محمدشاه (۱۲۴۹-۱۲۶۳ ق)، نقاشان عمق‌نمایی نقاشی فرنگی را با شگردهای سنتی نگارگری ایرانی در هم آمیختند و آثاری پدید آوردند که به لحاظ بصری خام و بداندام بود. در این نقاشیها، ماهیت تزئینی در رنگ‌بندی و طراحی کاملاً مشهود است. نقاشان در دوره ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) یکسره پای‌بند اصول طبیعت‌نگاری شدند. این شیوه به دست کمال‌الملک و شاگردانش به اوج رسید.



ت ۱. نجف‌علی، قلمدان
لاکی، ۱۲۶۱-۱۲۶۲.
مأخذ: Canby, Sh.
Persian Painting,
p. 123

اصفهان دیدن کرده، در کاخ فتح‌آباد یک سلسله چهره‌نگاری از شاهان باستانی ایران کار مهرعلی را مشاهده کرده است. از آخرین آثار تاریخی مهرعلی مدل آبرنگی است از سر انسان به تاریخ ۱۲۴۴ق که برای سرمشق و تعلیم شاگردش ابوالحسن غفاری کشیده است.

۴. میرزا بابا

از آثار میرزا بابا برمی‌آید که در بین سالهای ۱۲۰۰ و ۱۲۴۵ق فعالیت هنری داشته است. گفته‌اند که میرزا بابا اصفهانی بوده و در استرآباد برای خاندان قاجار کار می‌کرده است. از جمله آثار اولیه‌اش تصویری از یک اژدها و ققنوس است (۱۲۰۳ق، محفوظ در مجموعه پوتسی). میرزا بابا پس از جلوس آقا محمدخان به تخت سلطنت، در تهران به کار پرداخت و فنون و شگردهای مختلفی در هنر خود به کار بست. تک‌چهره او از هرمز چهارم ساسانی در سال ۱۲۰۴ق (تهران، موزه سابق نگارستان) به احتمال زیاد وابسته به یک سلسله پرده نقاشیهای تاریخی بود؛ چون ده سال بعد، یک رشته از این نوع تصاویر را کار کرد؛ چنان‌که یکی از این نوع نقاشیها تصویر ملک‌شاه سلجوقی همراه وزیرش است (تهران، مجموعه ابتهاج).

از نخستین آثار میرزا بابا می‌توان از تابلو طبیعت *بی‌جان‌انار و هندوانه و گلها* (تهران، موزه سابق نگارستان) و قاب چوبی‌ای حاوی تصویر شیرین و فرهاد در کوه بیستون (۱۲۰۸ق) یاد کرد. او در این نقاشیها از سبکی شبیه سبک محمدصادق استفاده کرده است.

میرزا بابا در زمان فتح‌علی‌شاه نیز سفارشهای چندی را به انجام رساند. در سال ۱۲۱۳ق، پیکرنگاره‌ای از فتح‌علی‌شاه کشید (لندن، شرکت مناسبات ممالک مشترک‌المنافع)، که لرد ولزلی آن را در سال ۱۸۰۶ به کمپانی هند شرقی انگلیس اهدا کرد. میرزا بابا در کتاب‌آرایی *دیوان خاقان* نیز دست داشت (محفوظ در کاخ وینزور، کتابخانه سلطنتی، ش ۴/MSA). سفیر فتح‌علی‌شاه آن را در سال ۱۸۱۲ به جرج چهارم اهدا کرد. میرزا بابا در این نسخه افزون بر جلد لاک‌ی و تذهیب حواشی آن، دو نگاره نیز اجرا کرد که یکی تصویر ملک‌الشعرا و دیگری تصویر عموی اوست. رقم او در نقاشیها «نقاش‌باشی» است^۲ (ت ۲).

موزه تاریخ، ش MK۹۸۷؛ لندن، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش ۸۹۹-۱۸۸۹؛ اصفهان، موزه هنرهای تربینی) دید. او در یکی از نقاشیهای قاب‌آینه‌اش از سبک نقاشی برادرش، محمداسماعیل، بهره جسته است.^۵ تشخیص آثار نجف‌علی اغلب با مشکلاتی همراه است؛ چون فرزندانش سبک او را ادامه داده و آثار خود را به نام او رقم زده‌اند. قلمدانی به تاریخ ۱۲۷۷ق با رقم جعفر (برن، موزه تاریخ، ش ۹۱۲-۹۲۰) و جلد کتابی به تاریخ ۱۲۸۶ق با رقم محمدکاظم (موزه ارمیتاژ، سن پترزبورگ) و قلمدانی به تاریخ ۱۲۹۵ق با رقم احمد^۶ همه به سبک گل‌ومرغ آق‌انجف است. محمدکاظم و احمد در نقاشی مینایی هم دست داشتند و در حقیقت آنها نقاشان برجسته نقاشی مینایی در اواخر سده سیزدهم هجری بودند و آثاری ارزشمند با مضامین مذهبی از خود به یادگار گذاشتند.

۳. مهرعلی

فعالیت هنری مهرعلی در سالهای ۱۲۱۰ - ۱۲۴۵ق بود. او دست‌کم ده پرده پیکرنگاری از فتح‌علی‌شاه فراهم کرد. یکی از قدیم‌ترین آنها به تاریخ ۱۲۱۲ق (محفوظ در کلکته، تالار یادبود ویکتوریا) فتح‌علی‌شاه را نشسته بر روی قالی نشان می‌دهد؛ و به احتمال زیاد، فتح‌علی‌شاه آن را در سال ۱۲۱۴ق به رسم هدیه برای امیران سند فرستاده است. او دو تا از پیکرنگاریهای زیبای فتح‌علی‌شاه را در کاخ گلستان برای تالار تخت مرمر کار کرد و یکی را هم که فتح‌علی‌شاه را در حال تاج‌گذاری نشان می‌دهد به رسم هدیه برای ناپلئون فرستادند (محفوظ در کاخ ورسای).

طراحیهای مهرعلی در اوایل سده سیزدهم هجری پخته‌تر شد؛ و او تصویر شاه را با تناسب چشم‌گیری کار کرد. در این تصاویر، فتح‌علی‌شاه را در حال نشسته و ایستاده و تعلیمی‌ای در دست تصویر کرده است. در یکی از زیباترین پیکرنگاریهای مهرعلی از فتح‌علی‌شاه به تاریخ ۱۲۲۷-۱۲۲۸ق (موزه سابق نگارستان، تهران)، او با ردای جواهرنشان و تاج بر سر تصویر شده است. چند تابلو از زنان حرم‌سرا هست که از نظر سبک شبیه آثار مهرعلی است (محفوظ در تهران، موزه سابق نگارستان). از آثار منسوب به مهرعلی مجلس شکار فتح‌علی‌شاه به همراه فرزندانش است که آن را در جایگاه ویژه ریاست جمهوری هند آویخته‌اند. (نیودهلی، راش تراپاتی بهاون)؛ و چند نقاشی پشت شیشه (تهران، موزه مردم‌شناسی) نیز به او منسوب است. سر ویلیام اوزلی، که در ژوئیه سال ۱۸۱۱ از

نقاشی اوست. سیاحان اروپایی در قرن نوزدهم دیوارنگاره‌های کاخ نگارستان را به او نسبت داده‌اند؛ ولی امروزه ثابت شده که آنها کار عبدالله‌خان بوده است.

۷. عبدالله‌خان

عبدالله‌خان معمارباشی و نقاش‌باشی دربار فتح‌علی‌شاه و محمدشاه و ناصرالدین‌شاه بود و در بین سالهای ۱۲۲۵-۱۲۶۶ ق فعالیت داشت. مهارت عبدالله‌خان در کشیدن مجالس بزرگ بزم و رزم و شبیه‌سازی بود و بیشتر کاخهای سلطنتی قاجار را تزئین و آراسته است. از محمدشاه فرمائی در دست است که در آن عبدالله‌خان را به منصب باشیگری معماران و پیشه‌وران و سایر ارباب حرف و صنایع، به‌سان دوره فتح‌علی‌شاه، منصوب کرده؛ و در فرمان تأکید شده که جمله نقاشان و معماران و مهندسان و میناکاران و نجاران و فخاران و شیشه‌بران و حدادان و باغبانان و مقیمان و شماعان تحت نظارت اویند و نباید از سخن و صواب‌دید او تجاوز کنند.^۹

مهم‌ترین اثر عبدالله‌خان دیوارنگاره عظیم کاخ نگارستان با ۱۱۸ پیکره تمام‌قد در تهران بوده که از بین رفته است. در این دیوارنگاره، تاج‌گذاری فتح‌علی‌شاه در میان فرزندان او آمده بود. بیشتر سیاحان سده هجدهم این دیوارنگاره را به محمدحسن‌خان نسبت داده‌اند؛ ولی ادوارد براون در اواخر دهه ۱۸۸۰ کتیبه‌ای را در پایین آن کشف کرد که نشان می‌داد این دیوارنگاره از کارهای عبدالله‌خان در سال ۱۲۲۷-۱۲۲۸ ق بوده است.^{۱۰}

از آثار آبرنگ عبدالله‌خان تصویر شاه‌زاده‌خانی در درون یک شمشه همراه با ندیمه اوست. پرداز صورتها و رنگ جامه‌ها و مهارت طراحی در آن کم‌نظیر است و «رقم عبدالله نقاش‌باشی» را دارد. از دیگر آثار منسوب به او، تصویر تمام‌قد فتح‌علی‌شاه با ردای قرمز و جواهرنشان همراه با کلاه هشت‌رخانی است (محموظ در لندن، موزه ویکتوریا و آلبرت، ۱۸۷۶-۷۰۷).

عبدالله‌خان در حدود سال ۱۲۲۸ ق در قصر سلیمانیه کرج دیوارنگاره‌ای از آقا محمدخان و فتح‌علی‌شاه اجرا کرد (امروزه از بین رفته؛ ولی قطعه‌ای از آن در دانشکده کشاورزی کرج باقی مانده است).

۸. ابوالقاسم

از نقاشان دوره فتح‌علی‌شاه بود و در شبیه‌سازی و پیکرنگاری دستی چیره داشت. از جمله آثار او، تابلو رنگ‌وروغن موزه



ت ۲. میرزا بابا، چهره زن، ۱۲۱۵، بخشی از اثر

۵. محمدحسن افشار

محمدحسن افشار در سالهای ۱۲۵۰-۱۲۸۱ ق فعالیت هنری داشت. او در دربار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه نقاش‌باشی بود. پیکرنگاره‌ای از محمدشاه را به تاریخ ۱۲۶۳ ق در لباسی جواهرنشان کشیده است (محموظ در لندن، کتابخانه بریتانیا، آلبوم چرچیل). از آثار برجسته محمدحسن افشار سه پیکرنگاره از ناصرالدین‌شاه و نیز در چهل‌ستون اصفهان است (محموظ در تهران، کاخ گلستان و موزه مقدم). محمدحسن افشار در نقاشی لاکمی نیز مهارت داشت و قلمدانی به تاریخ ۱۲۶۲ ق از او در دست است که در آن صحنه داوری اخروی را در یک طرف و نبرد ناپلئون را در طرف دیگر کشیده است. اعضای دیگر خانواده محمدحسن افشار نیز در قلمدان‌نگاری زنده بودند و صحنه‌هایی از داوری اخروی کشیده‌اند (محموظ در لس‌آنجلس، موزه هنری، ش ۷۳، ۱۵۹/۵، A).^{۱۱}

۶. محمدحسن‌خان

فعالیت هنری محمدحسن‌خان در حدود سالهای ۱۲۱۴-۱۲۵۶ ق بود. از این نقاش چند پرده نقاشی رنگ‌وروغن رقم‌دار موجود است (تهران، موزه سابق نگارستان)، که دو تا از آنها پیکرنگاری از شاه‌زادگان و یکی هم تابلو شیخ صنعان و دختر ترساست. بر پایه بعضی از ویژگیهای سبکی او، چند تابلو دیگر هم به او منسوب است؛ از جمله پیکرنگاره‌ای از یک شاه‌زاده قاجار، محموظ در موزه سابق نگارستان، و دو تصویر از زنان درباری. اجرای دقیق خصوصیات پیکره‌ها، کاربست رنگ قرمز متمایل به قهوه‌ای و گلدان آکنده از گل از ویژگیهای سبک

سابق نگارستان است که در آن رقصه‌ای دایره به دست با جامه‌های جواهرنشان و تاج مرصع بر سر مشغول هنرنمایی است و در آن «رقم کمترین ابوالقاسم، سنه ۱۲۲۷» آمده است. تابلویی دیگر از او در موزه هست که در آن نیز مطربی را با رنگ‌وروغن نقاشی کرده است. مطرب لباس قرمز بر تن دارد و ریشه‌های مروارید آن از اطراف نمایان است و در آن نیز «رقم کمترین ابوالقاسم ۱۲۲۷» ثبت است.^{۱۱}

۹. احمد

احمد، که در کشیدن تابلوهای رنگ‌وروغن از فتح‌علی‌شاه و محمدشاه مهارت داشت، در بین سالهای ۱۲۳۰ و ۱۲۶۶ ق فعالیت می‌کرد. با توجه به سبک احمد، او را از شاگردان مهرعلی دانسته‌اند. از آثار نخستین او، دو پیکرنگاره از فتح‌علی‌شاه است. احمد معمولاً با «رقم کمترین احمد» امضا می‌کرد. یکی از آثار احمد در موزه سابق نگارستان تابلو بزرگ رنگ‌وروغن جنگ غوریان است که محمدشاه و ملازمان او را سوار بر اسب نشان می‌دهد. این اثر به تاریخ ۱۲۶۰ ق ساخته شده و رقم احمد را دارد. تابلویی دیگر از محمدشاه هم از او در دست است که در آن رقم «غلام کمترین احمد، ۱۲۶۰» آمده است. تصویر فتح‌علی‌شاه در حین کشیدن قلیان که در سفارت انگلیس در تهران قرار دارد با «رقم کمترین احمد، ۱۲۳۸» مزین شده است. از احمد نقاشی نیم‌تنه‌ای از محمدشاه با کلاه مشکی نوک‌تیز و ریش و سبیل توبی و صورت گرد، و با «رقم کمترین احمد، ۱۲۶۰» در دست است.^{۱۲} (ت ۳).

۱۰. محمد اسماعیل اصفهانی

محمد اسماعیل از هنرمندان پرکار نقاشی لاک‌ی بر روی قلمدان و قاب آینه و صندوقچه بود و در شبیه‌سازی و رنگ‌پردازی و صحنه‌آرایی مهارتی تام داشت. او در حدود سالهای ۱۲۳۰ تا ۱۳۱۰ ق فعالیت هنری می‌کرد. در آغاز، در اصفهان نزد حاکم آنجا، منوچهرخان معتمدالدوله، ملازم بود و تصویر او را بر روی قلمدانی به سال ۱۲۶۴ ق نقاشی کرد (لندن موزه ویکتور و آلبرت، ش ۱۸۷۶-۷۶۳). محمد اسماعیل در سال ۱۲۷۵ ق از ناصرالدین‌شاه لقب نقاش‌باشی گرفت و این لقب را در آثار بعدی خود به کار برد. صورت خود نقاش در رویه دو قلمدان از سالهای ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳ ق آمده است. محمد اسماعیل در رقصه‌های خود از عناوین مختلف استفاده می‌کرد؛ مثل «کمترین خانزاده



ت ۳. احمد، چهره
محمدشاه قاجار،
۱۲۶۰، مأخذ: Diba,
L. Royal Persian
Painting

اسماعیل»، «عمل کمترین اسماعیل نقاش‌باشی»، «نقاش‌باشی اسماعیل»، «عمل کمترین محمد اسماعیل نقاش‌باشی».

محمد اسماعیل در کشیدن تصاویر زنان فرنگی و گل‌ومرغ نیز مهارت داشت و آثاری از او در این زمینه باقی است. از دیگر تخصصهای او کشیدن تمناهای مذهبی از امام علی (ع) و حسنین (ع) است و از این تصاویر به خصوص در آرایش جلد قرآنی متعلق به کتابخانه کاخ گلستان آمده است. از آثار نفیس محمد اسماعیل جعبه‌ای روغنی است که مناظر مختلفی دارد. بر روی این جعبه منظره شهر هرات، عمارات و گنبدها و مناره‌های مساجد و برج و باروی شهر از دور دیده می‌شود. در آن «رقم اسماعیل نقاش‌باشی» آمده است.^{۱۳}

قاب آینه‌ای از محمد اسماعیل در دست است که شاید آخرین اثر تاریخ‌دار او باشد. در یک طرف آن تصویر محمدشاه و ناصرالدین‌میرزا و رجال مملکتی آمده و در طرف دیگر شمایل امام علی (ع) در کمال صلابت تصویر شده و در داخل دو شمشه کوچک تر هم تصاویر حسنین (ع) آمده است. فرشتگان زیبا در کسوت دخترکان پر زیب و زیور در بالای سر حضرت و در حواشی نقش خورده‌اند و اشعاری نیز در حواشی به صورت کتیبه ثبت شده است. رقم آن «محمد اسماعیل نقاش‌باشی ۱۲۸۸» است.^{۱۴} «فرنگی‌ساز» از دیگر عناوین رقم محمد اسماعیل بود. در آثار او حالات، شیوه تصویرپردازی زنان، کالسکه، قطار، و پلها،



ت ۴. اسماعیل جلایر،
زنان برگرد سماور، سده
سیزدهم هجری، همان

همه به اسلوب فرنگی سازی است. بعدها سبک محمد اسماعیل را
فرزندش حیدر علی ادامه داد.^{۱۵}

۱۱. اسماعیل جلایر

اسماعیل جلایر فرزند حاجی محمدخان جلایر خراسانی در
دارالفنون تعلیم دید و در سالهای ۱۲۷۶-۱۲۸۶ ق بیشترین
فعالیت هنری خود را انجام داد. او با انواع فنون از قبیل
رنگ و روغن، لاک، سیاه قلم، نقطه پرداز، و آبرنگ کار می کرد.
آثار او علاوه بر پیکرنگاری، شامل موضوعات غربی همچون
تصلیب و تصویرپردازی وقایع تاریخی بود. او در سال ۱۲۷۷ ق
صحنه‌ای از جنگ محمدشاه را در هرات بر روی قلمدانی نقش
زد. جلایر مورد عنایت ناصرالدین شاه بود و تصویر زیبایی
از او به تاریخ ۱۲۷۸ ق تهیه کرد (اصفهان، موزه هنرهای
تزیینی). سبک نقاشی جلایر را می توان در تابلو چای خوری
زنان در باغی مصفا دید که دور سماوری گرد آمده اند (لندن،
موزه ویکتوریا و آلبرت، ۱۹۴۱-۱۹۵۶ P). در این تابلو با اینکه
عناصر نقاشی غربی به کار رفته، می توان جای پای عناصر سنتی
نقاشی ایران را نیز پیدا کرد (ت ۴). جلایر را می توان از پیشروان
سبک نقاشی خط در ایران دانست؛ چون با مداد کلمات را
نقاشی می کرد و بعد آن را به وسیله قلم مو و رنگ می پرداخت.
او در حقیقت به جای قلم نی، قلم مو و به جای مرکب، رنگ
به کار می برد.^{۱۶} جلایر در شمایل پردازی امامان به خصوص امام
علی (ع) هم مهارت داشت. او نستعلیق را خوش می نوشت
و نزد میرزا غلامرضا خوشنویس باشی مشق کرده بود. آثار
زیادی از جلایر در شبیه سازی و دورنما سازی باقی مانده است.
جلایر در جوانی خود را از بین برد.

۱۲. آق‌الطف علی صورتگر

آق‌الطف علی نقاش آبرنگ کار شیرازی در حدود سال ۱۲۱۷ ق
در شیراز به دنیا آمد و در سال ۱۲۸۸ ق درگذشت و در
گورستان امام شیراز، پشت چهار طاقی مشیر دفن شد. او از
جوانی به فراگیری نقاشی پرداخت و نزد محمدحسن شیرازی،
نقاش گل و مرغ، شاگردی کرد. چندی را در تهران به سر برد
و سفری به قفقاز و گرجستان کرد و بعد به بخارا رفت. این
وقایع را می توان از رقم بعضی آثارش که در این سرزمینها کار
کرده دریافت. او در قلمدان نگاری و گل و مرغ و جلد کتاب یا
نقاشی لاک و قاب آینه مهارت داشت و نقاشیهای متعددی از
صورت زنان و مردان ساخت (ت ۵). دیوارنگاره‌های شاه نشین
منزل میرزا محمد قوام الدوله را او کار کرد. مهم ترین مجموعه کار
او در نسخه شاهنامه داورى بود که در سالهای ۱۲۷۳-۱۲۸۰ ق
۵۵ نگاره در آن کار کرد. وضع معیشتی او چندان مساعد نبود و
در بعضی از رقمهای خود از دست تنگی نالیده است.^{۱۷}

۱۳. محمودخان ملک الشعرا

محمودخان ملک الشعرا فرزند محمدحسین خان عندلیب و نوه
فتح علی خان صبا کاشانی، ملک الشعراى دربار فتح علی شاه
بود. خاندان او از ایل دنبلی آذربایجان بودند. او در سال ۱۲۲۸ ق
در تهران متولد شد. از کودکی به تحصیل علوم و فنون پرداخت
و در ادب و فقه و عروض و قافیه و شعر و انشا و تاریخ و
ریاضیات و فلسفه اطلاعاتی در خور کسب کرد. در خطاطی نیز
چیره دستی و مهارت به دست آورد و در میناکاری و منبت کاری
خود را آموذ و در پیکر تراشی و گل دوزی هم صاحب اطلاع
شد. محمودخان شعر نیک می گفت و غزلیات او دلنشین بود. در
نقاشی اسلوب کهن و نیز شیوه رایج این زمان را تجربه کرد. یکی
از آثار او به نام/ستتساخ از آثار پیشرو نقاشی این دوره به شمار
می رود. او این تابلو را با سبکی کشید که هنوز در اروپا جریان
نداشت. در این تابلو فضای تصویر دو بعدی است و نور و سایه
در شکلها نمودی چشم گیر یافته و از ریزه کاری پرهیز شده
است. آن را می توان از آثار پیشرو نقاشی مدرن ایران دانست.
محمودخان در منظره پردازی و دورنما سازی دست داشت و آن
را با شیوه‌ای مطلوب اجرا می کرد. عمارت بادگیر (۱۲۷۸ ق)،
منظره خیابان الماسیه (۱۲۸۸ ق)، کاخ گلستان (۱۲۹۷ ق)،
صحن آستان قدس رضوی (۱۳۰۳ ق) از آثار معروف اوست.
محمودخان صبا در سال ۱۳۱۱ ق درگذشت و در شهر ری به
خاک سپرده شد.^{۱۸}

۱۴. ابوالحسن غفاری (صنیع‌الملک)

میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی معروف به ابوالحسن ثانی و ملقب به صنیع‌الملک فرزند میرزا محمد غفاری در سال ۱۲۲۹ق در کاشان متولد شد و در نوجوانی (۱۵-۱۶ سالگی) برای فراگیری نقاشی نزد محمدعلی اصفهانی رفت و همچون استادش در پیکرنگاری کارآموده شد و در زمره نقاشان مشهور زمان قرار گرفت. ابوالحسن وام‌دار آثار عمومی بزرگش ابوالحسن مستوفی بود؛ چون خود را ابوالحسن ثانی نامیده است. او در سال ۱۲۵۸ق از محمدشاه تک‌چهره‌ای ساخت و چندی بعد با سمت نقاش‌باشی وارد دربار محمدشاه شد.^{۱۹} از ابوالحسن غفاری از این ایام چندین اثر باقی مانده که یکی تصویر دو دل‌داده جوان و پیرزن مشاطه به تاریخ ۱۲۵۹ق است. از آثار دیگر او در این ایام، تصویر یکی از شاه‌زادگان (ظاهراً عباس‌میرزا ملک‌آرا) و تک‌چهره دیگری از محمدشاه به سال ۱۲۶۰ق و باز تک‌چهره تمام‌قد ناصرالدین‌میرزا در سال ۱۲۶۳ق و آثار دیگر است.^{۲۰}

ابوالحسن غفاری در سال ۱۲۶۳ق عازم ایتالیا شد تا آثار و احوال نقاشان بزرگ اروپا را از نزدیک مطالعه کند. او مدتی در هنرستانها و موزه‌های شهرهای رم، فلورنس، ونیز، و واتیکان به تحصیل نقاشی و رونگاری از آثار نقاشان ایتالیا پرداخت و پس از گذراندن نزدیک به چهار سال، در اواخر سال ۱۲۶۶ق به ایران بازگشت. ره‌آورد او در این سفر کپی چندین تابلو اروپایی مثل تابلو مادونای فولین‌یو، عروج مسیح، و آثار پراکنده دیگر بود.^{۲۱} هنگامی که ابوالحسن غفاری به ایران برگشت، محمدشاه مرده بود. او پس از بازگشت، ضمن اینکه به کشیدن آثار مختلف از چهره‌های رجال درباری مشغول شد، با لقب نقاش‌باشی دربار و نیز ناظر رشته نقاشی در دارالفنون به‌کار پرداخت. در این زمان امیرکبیر در سبزه‌میدان تهران مجمع دارالصنایع را راه‌انداخته بود. در حجره‌های این مجمع هنرمندان و پیشه‌وران به کار مشغول بودند. یکی از این حجره‌ها، حجره نقاشان بود که ابوالحسن غفاری و سی و چهار تن از شاگردان او در آنجا مشغول کار شدند.^{۲۲} در این مجمع بود که ابوالحسن غفاری مأمور کتاب‌آرایی هنر/ و یک‌سب با ترجمه فارسی عبداللطیف طسوجی در ۶ مجلد شد.

ابوالحسن غفاری در ذیقعدة سال ۱۲۷۷ق لقب صنیع‌الملک یافت و به تعلیم نقاشی به ناصرالدین‌شاه پرداخت. در همین سال ریاست دارالطباعة و اداره امور چاپ و نشر روزنامه وقایع/تفاتیبه به او واگذار شد. او نام روزنامه را به روزنامه دولت علیه/ایران تغییر داد و با قطع بزرگ‌تر و کاغذ و



ت ۵. آقا لطف‌علی شیرازی، گفتگو، نیمه دوم سده سیزدهم هجری

خط بهتر منتشر ساخت. از این زمان به بعد در هر شماره از این روزنامه تصاویری با شیوه گراوورسازی از رجال ناصری منتشر می‌شد؛ چون او فن گراوورسازی را نیز در اروپا فرا گرفته بود. با اعتبار و منزلتی که صنیع‌الملک نزد ناصرالدین‌شاه پیدا کرد، مکانی را در جنوب ارگ دولتی و عمارت سلطنتی در اختیار او گذاشتند تا در آنجا امور مربوط به نقاشی و چاپ و غیره را پیش ببرد. در اینجا بود که مقدمات تأسیس نخستین مدرسه نقاشی را به سبک اروپایی و با عنوان «نقاش‌خانه دولتی» فراهم ساخت و تأسیس آن را در شماره ۵۱۸ روزنامه دولت علیه/ایران، مورخ سوم شوال ۱۲۷۸ به اطلاع عموم رساند و از مردم خواست تا فرزندان خویش را برای یادگیری نقاشی به این مؤسسه بفرستند.^{۲۳}

شاه در سال ۱۲۷۹ق قطعه‌ای نشان سرتیپی و حمایل به او اهدا کرد. ابوالحسن غفاری سرانجام در اوایل ذیقعدة ۱۲۸۳ در حدود پنجاه و چهار سالگی چشم از جهان فرو بست و در

شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد.^{۲۴} از صنایع الملک آثار زیادی باقی مانده: از پیکرنگاریهای رجال دربار قاجاری گرفته تا دیوارنگاریهای عظیم کاخ نظامیه، او را باید تکمیل‌کننده اسلوب فرنگی‌سازی در ایران دانست که نخستین مدرسه نقاشی از نوع جدید را در ایران پی‌ریزی کرد. او در آثار خود تحت تأثیر آثار نقاشان دوره رنسانس ایتالیا بود؛ ولی در ترکیب‌بندی، رنگ‌بندی، و به‌خصوص انتخاب موضوع ماهیت ایرانی خود را از دست نداد و راهی را گشود که برادرزاده‌اش کمال‌الملک آن را به کمال رساند.^{۲۵}

۱۵. میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله

مزین‌الدوله نظری در سال ۱۲۶۳ق در نطنز به دنیا آمد. هنگامی که دوازده ساله بود به دستور ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۷۵ق همراه ۴۲ تن دیگر برای تحصیل به اروپا رفت و در پاریس در مدرسه هنرهای زیبا مشغول تحصیل شد. او در نقاشی، پیکرتراشی، موسیقی، و هنرهای نمایشی کسب مهارت کرد. پس از بازگشت به ایران معلم زبان فرانسه ناصرالدین‌شاه شد و سپس در دارالفنون به تدریس زبان فرانسه، موسیقی نظامی، و نقاشی پرداخت. کمال‌الملک و مصورالممالک از شاگردان او بودند. مزین‌الدوله در سال ۱۲۸۸ق به لقب نقاش‌باشی نایل آمد.^{۲۶} او در دارالفنون کار تئاتر می‌کرد و نمایش‌نامه‌هایی را روی صحنه می‌آورد. در این مدرسه به تألیف فرهنگ فارسی-فرانسه‌مزین‌اللغت همت گماشت که بعدها در فرانسه چاپ شد. او معلم زبان فرانسه احمدشاه و برادرش محمدحسن میرزا بود. مزین‌الدوله در سال ۱۳۴۱ق در ۸۹ سالگی درگذشت.^{۲۷} او در دورنماسازی و گل‌سازی و شبیه‌سازی توانمند بود و آبرنگ و رنگ‌وروغن کار می‌کرد. او در رونگاری از آثار استادان اروپایی چیره‌دست بود. کمال‌الملک طبع هنری او را چندان قابل اعتنا نمی‌داند.^{۲۸}

(1) Michele Gordiniani (1830-1909)

(2) Fantin Latour (1836-1904)

غفاری دعوت کرد تا به دربار برود. بدین‌سان او وارد دربار شد و در کنار نقاشی به تعلیم آن به شاه پرداخت. چندی بعد به لقب خانی نایل آمد و یک نشان و ۲۰ تومان موجب دریافت کرد. در سال ۱۳۰۰ق نقاش‌باشی دربار شد و حقوق ماهانه او به ۸۰ تومان رسید.^{۲۹}

با گذشت زمان و کوشندگی محمد غفاری در کشیدن تابلوهای متعدد موجب او نیز افزایش یافت و به دستور شاه خانه‌ای برای او تهیه کردند. او در سال ۱۳۰۹ق در تالار آیینه کاخ گلستان یک کارگاه موقت راه انداخت. او تنها کسی بود که به این تالار راه داشت. در این زمان دزدی به جواهر سلطنتی دستبرد زد و محمد غفاری مورد سوء ظن قرار گرفت و به شدت استنطاق شد. او مدت پنج سال از نظرها افتاد. دزد پیدا و مجازات شد.

ناصرالدین‌شاه در حق او گفته بود: «این کاشی ما اگر بدلعباب نبود، از صد چینی فغفوری بهتر بود». به‌حال محمد غفاری با حمایت امین‌السلطان صدراعظم در سال ۱۳۱۱ق به لقب کمال‌الملکی نایل آمد. پس از قتل ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه از او حمایت کرد. کمال‌الملک به پاداش کشیدن تصویری از او عازم اروپا شد تا تحصیلات خود را در آنجا کامل کند.

او سه سال در اروپا اقامت گزید و از پاریس، رم، میدان فلورانس، سوییس و بعضی شهرهای دیگر دیدن کرد و با بعضی از نقاشان ایتالیایی مثل گوردیانی^(۱) طرح دوستی ریخت. او در ایتالیا از آثار رافائل و رامبراند رونگاری کرد و تحسین شد.^{۳۰} وقتی به فرانسه رفت، در موزه لوور به رونگاری از آثار تیسین پرداخت و با فاتن لاتور^(۲) نقاش فرانسوی آشنا شد. هنگامی که مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۸ق به پاریس سفر کرد، کمال‌الملک به دیدار او رفت و مورد عنایت قرار گرفت. او چندی بعد به ایران بازگشت و منصب نقاش‌باشی دربار را همچنان صاحب شد و نشان درجه یک شیر و خورشید گرفت. در سال ۱۳۱۹ق زندگی‌نامه و خصوصیات او در شماره ۶۰ روزنامه شرافت چاپ شد.

کمال‌الملک در سال ۱۳۱۹ق به کربلا رفت و در سال ۱۳۲۳ق به تهران بازگشت. او پس از انقلاب مشروطیت و ماجرای استبداد صغیر محمدعلی‌شاهی کار را کنار گذاشت و بعد در دوره احمدشاه چند تابلو کار کرد. در سال ۱۳۲۹ق به پیشنهاد او «مدرسه صنایع مستظرفه و مدرسه نقاشی» تأسیس و کمال‌الملک به مدیریت آن منصوب شد. این مدرسه در باغ نگارستان بر پا شد. از این زمان به بعد، کمال‌الملک شماری از

۱۶. محمد غفاری (کمال‌الملک)

محمد غفاری در حدود سال ۱۲۶۴ق در کاشان متولد شد و در حدود سال ۱۲۷۹ق برای تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون تحت نظر مزین‌الدوله نقاش‌باشی به تحصیل نقاشی پرداخت. هنگامی که ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۹۸ق در جشن پایان تحصیلی دارالفنون شرکت کرد، تک‌چهره‌هایی از عمومی خود را بر دیوار دید و از شباهت آن دچار شگفتی شد. شاه از نام نقاش آن پرسید و محمد غفاری را به او معرفی کردند. شاه از محمد

Canby, Sheila R. *Persian Painting*, London, The British Museum Press, 1993.

Diba, Layla. *Royal Persian Painting: the Qajar Epoch 1785-1925: Two Hundred Years of Painting from the Royal Persian Courts*. New York, I B Tauris and Co. Ltd., 1998.

Robinson, B. "Persian Royal Portraiture" *Qajar Iran*, ed. Bosworth and Hillenbrand, London, 1983.

نقاشان جوان را تربیت کرد که بعدها سبک او را ادامه دادند. کمال‌الملک در سال ۱۳۴۶ ق در ۹۲ سالگی درگذشت.^{۳۱} کمال‌الملک شیفته هنر آکادمیک اروپا بود. در چهره‌نگاری و منظره‌پردازی دستی توانا داشت. آثار زیادی از او باقی است؛ از قبیل: حوض‌خانه صاحبقرانیه، دورنمای صفی‌آباد، فال‌گیر بغدادی، تک‌چهره خود هنرمند، تک‌چهره صنیع‌الدوله و تک‌چهره‌هایی از ناصرالدین‌شاه، تالار آیینیه، تک‌چهره حاج سیدنصرالله تقوی، چندین طبیعت بی‌جان و آثار بی‌شمار دیگر.^{۳۲}

کمال‌الملک را می‌توان خلاصه و چکیده اسلوب فرنگی‌سازی ایران دانست که از دوره صفوی تا به روزگار او ادامه یافت و در دستان کمال‌الملک به کمال رسید. او در ترکیب‌بندی و رنگ‌بندی مهارتی بسزا داشت و طبیعت‌پردازی چیره‌دست بود. کمال‌الملک با به‌کارگیری قواعد و اصول نقاشی ناتوریستی اروپایی در حقیقت زیبایی‌شناسی زمانه خود را تفسیر کرد. □

کتاب‌نامه

۱. استاد دانشگاه تهران.
۲. فلور و دیگران، نقاشی و نقاشان دوره قاجار، ص ۱۷.
۳. فرصت شیرازی، آثار عجم، ص ۵۴۱-۵۴۸.
۴. میرزا حسین‌خان تھویدار اصفهانی، جغرافیای اصفهان، ص ۱۱۲.
5. B. Robinson, "Persian Royal Portraiture", fig 12.
6. ibid., fig 232.
۷. کریم‌زاده تبریزی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ج ۲، ش ۱۳۱۵.
۸. همان، شماره ۹۸۸.
۹. همان، ج ۱، ص ۳۰۲.
۱۰. همان، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۷.
۱۱. همان، ج ۱، ص ۴۵ و ۴۶.
۱۲. همان، ج ۱، ص ۵۲ و ۵۳.
۱۳. همان، ج ۱، ص ۷۱-۷۴.
۱۴. همان، ج ۱، ص ۷۵ و ۷۶.
۱۵. معصومه فرهاد، «محمد اسماعیل اصفهانی»، ص ۳۳۱-۳۴۱.
۱۶. دوست‌علی‌خان معیرالممالک، رجال عصر ناصری، ص ۲۷۷-۲۷۸.
۱۷. آیدین آغداشلو، آقا لطفعلی صورنگر شیرازی، ص ۱۶.
۱۸. یحیی ذکاء، «محمودخان ملک الشعرا»، ص ۲۴-۳۲؛ فلور و دیگران، همان، ص ۵۹ و ۶۰.
۱۹. یحیی ذکاء، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک، ص ۱۹.
۲۰. همان، ص ۲۰-۲۴.
۲۱. همان، ص ۲۴ و ۲۵.
۲۲. عباس اقبال، «سبزه‌میدان و مجمع دارالصنایع»، ص ۶۰-۷۰.
۲۳. یحیی ذکاء، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک، ص ۴۹ و ۵۰.
۲۴. همان، ص ۵۴.
۲۵. دوست‌علی‌خان معیرالممالک، همان، ص ۲۷۳-۲۷۵.
۲۶. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۲، ص ۴۲۶.
۲۷. علی آذری، «علی‌اکبرخان نقاش‌باشی، مزین‌الدوله»، ص ۱-۵.
۲۸. فلور و دیگران، همان، ص ۶۰-۶۳.
۲۹. دهباشی و بهنام شباهنگ، یادنامه کمال‌الملک، ص ۱۲.
۳۰. همان، ص ۱۵.
۳۱. فلور و دیگران، همان، ص ۵۷-۵۹.
۳۲. همان، ص ۲۱۷-۲۱۵.
آذری، علی. «علی‌اکبرخان نقاش‌باشی، مزین‌الدوله»، در: پیام‌نویس، ش ۱۲، ص ۱-۵ (۱۳۴۲).
آغداشلو، آیدین. آقا لطفعلی صورنگر شیرازی، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.
اقبال، عباس. «سبزه‌میدان و مجمع دارالصنایع»، در: یادگار، ش ۹ و ۱۰، (۱۳۲۵)، ص ۶۰-۷۰.
بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، ۱۳۴۷-۱۳۵۳، ج ۲ و ۳.
دهباشی، علی و داراب بهنام شباهنگ، یادنامه کمال‌الملک، تهران، چکامه، ۱۳۶۴.
ذکاء، یحیی. «محمودخان ملک الشعرا»، در: هنر و مردم، ش ۴ و ۵، ۱۳۴۲، ص ۲۴-۳۲.
_____، زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
رعنا حسینی، کرامت‌الله. «سه فرمان از محمدشاه برای خوشنویسان شیرازی»، در: هنر و مردم، ش ۱۸۴، (۱۳۵۶)، ص ۸۳-۸۵.
سهیلی خوانساری، احمد. کمال‌هنر، تهران، سروش - علمی، ۱۳۶۸.
فرصت شیرازی. آثار عجم، تهران، چاپ علی دهباشی، ۱۳۶۲.
فرهاد، معصومه. «محمد اسماعیل اصفهانی»، در: دوازده رخ، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۷.
فلور و دیگران. نقاشی و نقاشان دوره قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ایلشاپ، ۱۳۸۱.
کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ج ۱، تهران، مستوفی، ۱۳۶۳ و ۱۳۷۶؛ همان، ج ۲ و ۳، لندن، ۱۳۶۳.
معیرالممالک، دوست‌علی‌خان. رجال عصر ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
میرزا حسین‌خان تھویدار اصفهانی، جغرافیای اصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.